

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق

روزنامه

سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۴ • ۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ • ۱۸ نوامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۵۸ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۵۵ • اذان صبح فردا ۵:۱۷ • طلوع آفتاب ۶:۴۴



۲۰ تن انواع مواد مخدر غیرقابل استحصال، صبح دوشنبه بیست‌وششم آبان در بخش کهریزک شهرستان ری امحا شد. عکس: اکبر توکلی، ایرنا

www.sharghdaily.com
aparat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1

هفته کتاب یا مجلس ترحیم کتاب



محمدعزیزی*

من فقط روی یک بخش از این کار فرهنگی اندک تمرکزی می‌کنم. بخش نشر و حوزه کتاب و کتابخوانی که به دلایل گوناگون از همان اواسط دهه ۶۰ به جای صعود به سمت سقوط حرکت کرد. مهم‌ترین دلیلش هم دخالت دولت در تولید و توزیع کتاب و جهت‌دهی به آن بود. انتخاب مدیران فرهنگی ناآشنا با فرهنگ و ادب و هنر. برای مدیریت این حوزه‌ها بود.

در این دوره هر نهاد و سازمانی هم شروع به تولید محتوای سطحی ادبی کردند و هم با امکاناتی که در اختیار خود گرفته بودند، این تولیدات



اتفاق خوانی

بحران آب درتهران



حسن فاثی

نکرده‌اند. به‌علاوه، بخش درخورتوجهی از منابع آبی تهران از سدهای لار، طالقان و کرج تأمین می‌شود که خود تحت تأثیر کاهش بارش در حوزه البرز قرار دارند. برداشت‌های بیش از حد از منابع زیرزمینی برای جبران کمبود آب سطحی، منجر به افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی و پدیده فرونشست در مناطق جنوب و جنوب غرب تهران شده است؛

فرایندی که به گفته کارشناسان «بازگشت‌ناپذیر» است.

۳. **ناکارآمدی حکمرانی آب:** مسئله اساسی دیگر، ضعف ساختاری در نظام حکمرانی آب است. سیاست‌های آب در ایران، به‌ویژه در بخش شهری، غالباً واکنشی و کوتاه‌مدت بوده‌اند. به‌جای اصلاح الگوی مصرف و بازنگری در نحوه تخصیص منابع، راه‌حل‌ها بیشتر به سمت پروژه‌های سازه‌ای نظیر سدسازی و انتقال بین‌حوضه‌ای گرایش داشته‌اند. این رویکرد «مهندسی‌محور» در دهه‌های گذشته به‌ویژه در تهران، به‌جای کاهش فشار بر منابع، به وابستگی بیشتر انجامیده است. افزون بر این، یارانه‌های انرژی و آب شهری، انگیزه صرفه‌جویی را کاهش داده‌اند. قیمت واقعی آب در تهران، کمتر از ۱۰ درصد هزینه واقعی تأمین و تصفیه آن است. در چنین شرایطی، خانوارها و صنایع عملاً انگیزه اقتصادی برای تغییر رفتار ندارند.

۴. **پیوند بحران آب و بحران اقتصادی:** بحران کنونی را نمی‌توان جدا از زمینه کلان اقتصادی کشور درک کرد. تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی و ضعف سرمایه‌گذاری عمومی موجب شده است که پروژه‌های

ما باور کرده بودیم که قرار است دور هر میدانی، در هر محله‌ای، در همه مسیرهای شلوغ و پرتردد، یک کتاب‌فروشی باز شود که پر از کتاب‌های تازه از ایران و جهان باشد. باور کرده بودیم که دهک‌های مطبوعاتی و روزنامه‌فروشی، هرچندتایی که سال ۱۳۵۷ بوده‌اند، مثلاً در پنج سال اول انقلاب حداقل سه برابر و در دهه‌های دوم و سوم انقلاب به نسبت رشد جمعیت و تعداد فراوان تحصیل‌کرده‌های حداقل لیسانس، آمار کتاب‌فروشی‌ها، دهک‌های مطبوعاتی، شمارگان (تیراژ) کتاب‌های منتشرشده در هر نوبت چاپ از حد متوسط تیراژ کتاب یعنی سه هزار تایی بیش از انقلاب، به حداقل ۱۰ برابر یعنی ۳۰ هزار تا پس از انقلاب خواهد رسید. نوبت چاپ کتاب‌ها هم از معدل چاپ سالانه که دو، سه نوبت بود، به حدود دو تا سه برابر خواهد رسید. در نتیجه هم صنعت نشر، هم شمارگان مطبوعات و روزنامه‌ها رشدی چشمگیر و دائمی خواهد کرد، به طوری که اهالی قلم (نویسندگان، مترجمان، روزنامه‌نگاران) مانند هرجای جهان، از طریق گرفتن حق‌التألیف، به راحتی خواهند توانست زندگی خانوادگی خود را به‌صورتی آبرومند بچرخانند و با آرامش خیال بیشتر بنویسند و آثار ماندگارتری خلق کنند.

ما خوش‌خیال بودیم و فکر می‌کردیم «بهار ادبیات»، بهار مطبوعات، بهار هنر و فرهنگ در پیش است. و چون هرچه پیش‌تر می‌رفتم، چیزی از این تصویر و خیال‌بافی کودکانه را محقق‌شده نمی‌دیدیم، مدام به خودمان تسلای خاطر می‌دادم که:

– به زودی اوضاع عوض خواهد شد و می‌گفتم:

– فلان مدیر اگر به جای فلانی بیاید، همه چیز تغییر خواهد کرد. همه‌چیز همان خواهد شد که قرار بوده است بشود!

اما دریغ که می‌دیدیم فلانی رفت و فلانی آمد و چیزی تغییر نکرد.

حالا به چه دلیل، شاید گفتنی نباشد!

اعلام جیره‌بندی آب در تهران؛ پایتختی که بیش از ۱۰ میلیون نفر را در خود جای داده، نشانه‌ای هشداردهنده از بحرانی عمیق‌تر است که ریشه در هم‌زمانی سه عامل دارد: تغییرات اقلیمی، سوءمدیریت منابع آب و فشارهای ناشی از رشد نامتوازن شهری. هرچند دولت این اقدام را «موقت» و ناشی از کمبود بارش‌ها معرفی کرده است، اما نشانه‌های موجود حاکی از آن است که مسئله بسیار ساختاری‌تر از یک سال خشک است.

۱. **فشار اقلیمی و تغییر الگوی بارش:** ایران در منطقه خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد، اما در دهه اخیر، تغییرات اقلیمی موجب تغییرات عمیق در الگوی بارش و تبخیر شده است. داده‌های سازمان جهانی هواشناسی نشان می‌دهد که میانگین دما در ایران در مدت ۵۰ سال گذشته حدود ۱.۶ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته است؛ درحالی‌که بارش سالانه در بیشتر حوضه‌های ابریز کشور تا ۲۰ درصد کاهش یافته است. این پدیده به‌ویژه در فلات مرکزی ایران –که تهران نیز در آن قرار دارد– منجر به کاهش تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی و کاهش آورد رودخانه‌ها شده است. از سوی دیگر، افزایش دمای هوا باعث رشد مصرف آب شهری و کشاورزی می‌شود. به بیان دیگر، گرمایش زمین نه‌تنها منابع را کاهش می‌دهد، بلکه تقاضا را نیز افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، حتی کاهش نسبی بارش می‌تواند سیستم تأمین آب شهری را دچار فروپاشی موقتی کند.

۲. **توسعه شهری و فشار بر منابع:** تهران نمونه کلاسیک یک «کلان‌شهر ناپایدار» است: رشد شتابان جمعیت، گسترش افقی و عمودی شهر و تمرکز بی‌رویه فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی در مرکز کشور، نیاز آبی را فراتر از ظرفیت طبیعی منطقه افزایش داده است. براساس آمار رسمی، جمعیت تهران از حدود دو میلیون نفر در دهه ۱۳۴۰ به بیش از ۱۳ میلیون نفر در سال ۱۴۰۳ رسیده است. در همین حال، زیرساخت‌های آبی شهر (سدها، تصفیه‌خانه‌ها و شبکه توزیع) با همان سرعت رشد رسانه‌های مختلف از جمله فرارو از کم‌شدن دو دختر در یک مکان خاص خبر داده‌اند و اکنون این پرسش مطرح شده است که «مرضیه‌بوغییش» و «ستاره جیدری» چگونه ناپدید شدند؟ این دو دختر شب‌هنگام و در یک محله مشابه، آن هم در خیابان «امیری» حوالی «پارک شاپور» مفقود شده‌اند. در حال حاضر دستورات قضائی به ضابطان و پلیس آگاهی برای اقدامات گسترده تخصصی و رصد تلفن و حساب‌هایشان صادر شده است.

طنز خوانی

ساختن تاک‌شورا

متوقف کنید



آیدین سیار سریع

روند انتخاب میهمان در تاک‌شو‌ها و برنامه‌های گفت‌وگومحور دارد به جاهای خطرناکی می‌رسد. البته تا حدی درک می‌کنیم، به‌هرحال چهره‌ها محدودند و برنامه‌ها زیاد. مثلاً آقایان مطهرنیا و زیباکلام با اینکه کل زندگی‌شان را وقف شرکت در برنامه‌ها کرده‌اند و فقط برای خواب می‌روند خانه، مگر چقدر زمان دارند که بتوانند این همه برنامه را پوشش دهند؟ یا مثلاً چندتا رپر داریم که پشیمان باشند و بیایند پیش علی ضیا؟ فراستی و خیابانی و فیروز کریمی کلاً سه نفرند و هزار تاک‌شو. البته این نقد به این مثلث مرک‌بار وارد است که باید نسل‌های بعد را پرورش می‌دادند تا در غیابشان [حالا ما می‌گوییم در و گهر] نفثت می‌دادند، اما کم‌کاری کردند. قبلاً که تاک‌شو‌ها به این زیادی نبودند همه را حسن آقامیری پوشش می‌داد. می‌آمد توی استودیو گفت‌وگو می‌کرد (که بعداً کلیپ‌هایش سیاه و سفید و با زیرنویس وایرال می‌شد) می‌گفت آقای مسئول! آقای فلان! به درد مردم گوش کن. آخر سِر آقای مسئول این‌قدر درد مردم را گرفت به [حالا ما به اجبار می‌گوییم کتف چپش] که آقامیری کلاً بی‌خیال شد و رفت زنبور‌داری زد. دید زنبور حرفش را بیشتر می‌فهمد. الان با صدای اکوشده می‌گوید آقای زنبور! عمل بده! این مردم گرسنه‌اند اند اند. یکسری تاک‌شو هم هستند که وقتی می‌بینند مطهرنیا و فیروز کریمی و رپر پشیمان را نمی‌توانند دعوت کنند، می‌روند سراخ چهره‌هایی که قبلاً در اینستاگرام معروف بودند. آن چهره‌هایی که یکجلیک را می‌آوردند و می‌پرسند برنامه‌ات برای ادامه مسیر هنری‌ات چیست؟ در آینده قصد داری چه چیزهایی را بلد نباشی و فراموش کنی؟... از پهلوان احمدی می‌خواهیم همین‌طور که بازو می‌گیرند، برای جوان‌ها از آسیب‌های شهرت در فضای مجازی بگویند... امروز پیرومد باصفا و بی‌آلایش گیلانی میهمان ماست و می‌خواهد خطاب به هوادارانش بگوید آو آو آو... واقعاً اوضاع غربیی است. کار آنجایی بیخ پیدا می‌کند که یکسری می‌خواهند در این زمینه نوآوری کنند. می‌نشینند غل‌هایشان را می‌گذارند روی هم و می‌گویند دادا! ارادل دعوت کنیم، می‌ترکونه. دادا هم ارادل دعوت می‌کند و ارادل هم با جای تیزی و رد قفل فرمان روی صورت می‌نشیند به ری‌برند که بله، ما ارادل نیستیم، لایتم. یکی هم نیست بی‌رسد اصولش مگر این نیست که لات دست‌گیری کند؟ شما چرا خودتان این‌قدر دستگیر می‌شوید؟ حالا به فرض هم که شمای برنامه‌ساز آوردن ارادل را به تاک‌شو آنلاک کردید، گزینه بعدی قرار است چی باشد؟ برنامه بعدی را چطور شروع می‌کنید؟ امروز در خدمت یکی از مزاحمان بنام نوامیس تهران هستیم؟ مهمون امروز من کسی است که اگه شیشه ماشین‌تون سه سانت پایین باشه بازم گوشیتونو می‌زنه؟ تشویق بفرمایید غلام آیفون؟ می‌دونم برام تبعاتی داره ولی مرحوم سعید حنایی رو با کمک هوش مصنوعی ساختیم که باهاش گفت‌وگو کنیم. آقا سعید! از عذاب اون دنیا برامون بگو. واقعاً مشخص نیست در آینده چه میهمان‌هایی انتظارمان را می‌کشند. فعلاً هر کس هرجا هست، یک قدم از ساختن تاک‌شو فاصله بگیرد.

سازمان آگهی‌های

روزنامه شرق

۸۶۰۳۶۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

دغدغه‌خوانی

تصمیمات کنکوری

بازی با روان دانش‌آموزان

عبدالجلیل کریم‌پور

کنکور به عنوان تنها مؤلفه ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، هرساله درگیر تغییرات نظر فرادستانی می‌شود که نباید به‌تنهایی در این زمینه تصمیم بگیرند و با روان دانش‌آموز بازی نکنند. انگار حرف و تصمیم‌شان وحی مُنزلی است که به اعتقادشان، بری از نقص و عیب است. وقتی نمره‌آوری در کنکور و امتحانات نهایی، بسته به فعالیت مافیاهای این مجموعه‌هاست، در حیرت می‌مانیم که چرا تصمیمی منطقی و متناسب با زمینه‌سازی‌های ایجادشده و عادلانه در سراسر کشور، گرفته نمی‌شود و متناسب با این عدالت‌گزینی‌ها برنامه‌ریزی نمی‌شود؟ دانش‌آموز یازدهمی که به هر دلیلی نتوانسته معدل خوبی کسب کند، در معرض این تصمیم قرار می‌گیرد که باید برای ترمیمش در همه امتحانات شرکت کرده و فرصت توفیق را در قسمت اثربخش دیگر کار از دست دهد. بی‌شک، عدالت آموزشی زمانی محقق می‌شود که نگاهی منطقی و عادلانه به تمام مناطق کشور حاکم باشد و آنچه ارائه می‌شود، همه را تحت‌الشعاع حمایت خود قرار دهد، چراکه در این نوع نگاه، دیگر مناطق درجه‌بندی و اولویت‌بندی نمی‌شوند! دانش‌آموزان از چتر حمایتی یکسان برخوردار می‌شوند و آن‌گاه است که می‌توان نسخه‌ای واحد برای همه دانش‌آموزان پیچید و تصمیمی یکسان برای آنها گرفت. بازی با روان دانش‌آموزان مؤلفه‌ای شده که در این سال‌های اخیر از جانب فرادستان همچنان انجام می‌گیرد و دانش‌آموز را اسیر دغدغه‌های متعدد می‌کند. دانش‌آموز به‌جای برنامه‌ریزی برای درس‌خواندن برای قبولی‌اش، باید به امتحاناتی فکر کند که صرفاً برای تأمین مالی آموزش و پرورش الزامی شده است (یعنی برای ترمیم فلان درس، دانش‌آموز مجبور است پول همه دروس را بپردازد). انگار دستگانه تعلیم و تربیت هم تلاش می‌کند با این کارش از مؤسسات پولی عقب نماند. نکته قابل ذکر، بیسان این واقعیت است که توجه به اثرات قطعی معدل و حتی خود کنکور هم بدون در نظر گرفتن عدالت آموزشی، چاشنی جدی برای دانش‌آموزانی است که در این سیستم، بر خوردار از حداقل‌ها نیستند و باید به موقعیت‌هایی بیندیشند که سیستم آموزشی به طور یکسان در اختیار آنها قرار نداده است. صرف هزینه‌های هنگفت برای کلاس‌های آنلاین هم از عهده همگان برنمی‌آید تا از این مسیر، موفقیت محقق شود، اگرچه همه واقف بر این واقعیت هستیم که سیستم آموزشی با این رویه کاری، هیچ‌گاه راه به مقصد موفقیت آموزشی نخواهد برد.

شبکه‌خوانی

ارتباط با مرده‌ها ممکن شد؟

دیجیاتو: به گزارش مترو، اپلیکیشن تو‌ای آدیلبو توسط «کالوم وورثی»، بازیگر سابق تلویزیون دیزنی، تأسیس شده و به کاربران اجازه می‌دهد فیلم‌ها و تصاویر یک شخص را وارد هوش مصنوعی کنند تا آواتاری با ظاهر و شخصیت آن فرد ساخته شود. فعالیت این اپلیکیشن با واکنش‌های بسیاری روبه‌رو شده است. برخی معتقدند با این اپلیکیشن قرار است با افراد متوفی ارتباط برقرار کنند. در تبلیغی که برای این اپلیکیشن منتشر شده، زنی باردار دیده می‌شود که از 2wai برای ارتباط با مادر درگذشته خود استفاده می‌کند. در ادامه این تبلیغ مادر بزرگ‌تر فوت‌شده یک قصه شبانه را برای نوه‌اش بازگو می‌کند. سپس دوران بزرگسالی این نوه هم به تصویر کشیده می‌شود که او را درحال نشان‌دادن تصویر سونوگرافی فرزند خود به مادر بزرگ دیجیتالی‌اش می‌بینیم. سازنده این اپلیکیشن ادعا می‌کند که شرکتش در حال ساخت یک اثرشوی زنده از انسانیت است. البته این شرکت هنوز جزئیات بیشتری از نحوه کار این اپلیکیشن منتشر نکرده است. این شرکت تاکنون پنج میلیون دلار سرمایه جذب کرده است. البته این تبلیغات با سلی از انتقادات در شبکه‌های اجتماعی مواجه شده است. یک کاربر این تبلیغ را «شیطانی، غیرصادقانه و غیرانسانی» می‌داند. کاربر دیگری به کنایه نوشته است: «هیچ چیزی به اندازه تبدیل غم یک آدم به فرصت تجاری نشانه همدردی نیست».

2wai اعلام کرده است که کاربران می‌توانند «دوقلوی دیجیتال» خود را با ایجاد آواتاری از خود بسازند یا می‌توانند آواتارهایی شبیه دوستان و خانواده‌شان ایجاد کنند. وورثی این اپلیکیشن را به عنوان راهی برای هنرمندان و خالقان برای کنترل تصویر خودشان معرفی کرده است.

نورنیزو: پیگیری‌های طولانی‌مدت یک پرونده قتل در بخش

ماهان کرمان، پس از دو دهه به نتیجه رسید و قاتل متواری دستگیر شد. به‌گفته دادستان عمومی و انقلاب بخش ماهان استان کرمان: «در تیر سال ۱۳۸۲ در توابع بخش ماهان یک مورد وقوع قتل عمد رخ داده که از آن پس قاتل متواری شده بود». پس از تشکیل پرونده، دستگاه قضائی و پلیس طی سال‌های متمادی اقدام‌های گسترده‌ای برای شناسایی و بازداشت متهم انجام داده بودند.